|  |
| --- |
| درس امامت - کتاب المراجعات - استاد ربانی 99/12/06  بسم الله الرحمن الرحیم  موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)  حدیث 33 از مراجعه 48  در این روایت پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مكتوب على ساق العرش: لا إله إلّا اللّه محمد رسول اللّه أيّدته بعلي، و نصرته بعلي»[[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn1" \o "المراجعات، امام شرف الدین، ص 342- 343) : بر ساق عرش نوشته شده است: جز الله تبارک و تعالی خدایی نیست؛ محمد (ص) رسول خدا است و او را به واسطه علی (ع) تایید و یاری کرده است. امام شرف الدین این روایت را از کنزالعمال نقل کرده است.[[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn2" \o "کنزالعمال، متقی هندی، ج11، ص 624 ؛ مجمع الزوائد، نورالدین هیثمی، ج9، ص 121) در کنزالعمال این روایت از المعجم الکبیر طبرانی و ابن عساکر با سند خود از ابی الحمراء روایت شده است.  در سند این روایت که طبرانی نقل کرده عمر بن ثابت آمده که در کتب رجال اهل سنت تضعیف شده است.[[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn3" \o "تهذیب التهذیب، ج6، ص 121- 122 ؛ تقریب التهدیب، ص 436) این حدیث از طرق مختلفی دیگری از انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری و ابوهریره هم روایت شده است.[[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn4" \o "شواهد التنزبل، حاکم حسکانی، ج1، ص 223- 228) البته سند این روایات هم مورد مناقشه و اشکال قرار گرفته است و ابومریم اعظمی آنها را نقل کرده است.[[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn5" \o "الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص 492- 493)  در برخی از این روایات، حدیث مزبور بر آیه «هُوَ الَّذي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنين‌»[[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn6" \o "انفال/سوره8، آیه62) تطبیق داده و گفته شده مقصود از مومنین در این آیه علی (ع) است.[[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn7" \o "شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج1، ص 224 ؛ الدر المنثور، ج4، ص 91)  این روایت در منابع شیعه از عده ای از صحابه مانند انس و ابوهریره نقل شده است.[[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn8" \o "تفسیر البرهان، ج2، ص 91- 92) علامه حلی در کتاب منهاج الکرامه[[9]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn9" \o "منهاج الکرامه، علامه حلی، ص 161) به آیه شریفه 62 سوره انفال با ضمیمه روایت ابوالحمراء، بر امامت امیرالمومنین (ع) استناد کرده است.  اشکال  ابن تیمیه که کتاب منهاج السنه را در رد کتاب منهاج الکرامه نوشته است، متعرض این حدیث شده و استدلال علامه را سندا و دلالتا نقد کرده است. در مورد بحث سندی گفته شد طبق رجال اهل سنت، سند این روایت دارای مشکل است و به تنهایی نمی تواند مورد استدلال قرار گیرد. ابن تیمه در مورد متن حدیث گفته است این حدیث مخالف صریح قرآن است، زیرا در آیه 62 انفال تصریح شده است که خداوند پیامبر (ص) را با نصرت و مومنین مورد تایید قرار داده است. در آیه بعد نیز آمده است: «وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ»، از لفظ جمع استفاده شده و مراد از آن مومنین است نه یک نفر. تاریخ اسلام نیز نشان می دهد که چه تعداد از افراد توسط امیرالمومنین (ع)، اسلام آورده اند و چه تعداد از دشمنان توسط وی کشته شده اند. لذا منحصر کردن این نصرت به وی با واقعیت های تاریخ اسلام سازگاری ندارد.[[10]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn10" \o "منهاج السنه، ابن تیمیه، ج7، ص 108) ابومریم اعظمی نیز همین اشکال را نقل کرده است.[[11]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn11" \o "الحجج الدامغات، ج1ص 493)  ارزیابی  در مورد اشکالی که به متن حدیث گفته شده می گوییم:  1. اگر مراد از روایت، تفسیر مومنین به امیرالمومنین (ع) است، این تفسیر نادرست است. و اگر تطبیق کنیم دو گونه است: اگر به صورت حصر حقیقی باشد به این معنا که مصداق آن را منحصر در آن حضرت بدانیم، باز نادرست است. اما اگر آن را به صورت حصر اضافی بدانیم یعنی بگوییم آن مومنی که در بالاترین درجه ایمان بوده است و آن مومنی که بیشترین نصرت و یاری را به پیامبر اکرم (ص) (متناسب با شخصیت آن حضرت) رسانیده است امیرالمومنین (ع) می باشد، تفسیر درستی است که با جایی معارضه ندارد.  ابن تیمیه در مورد حدیث مدینه العلم نیز شبیه همین اشکال را مطرح کرده بود که لازمه حدیث این است که علوم پیامبر (ص) تنها توسط امیرالمومنین (ع) به دیگران رسیده باشد در حالی که این بر خلاف واقعیت های تاریخی است. در آنجا نیز در جواب گفته شد مراد از حدیث این است که باب علم بودن پیامبر (ص) به صورت کامل و جامع، امیرالمومنین (ع) است و این منافاتی با نقل علوم پیامبر (ص) توسط دیگران ندارد. در بحث ما نیز قضیه از همین قرار است و این تعبیری عقلایی است. مثلا اگر کسی بگوید جمیل یعنی یوسف (ع)، اگر سوال کنیم آیا مراد شما تفسیر جمیل است؟ و آیا هیچ انسان جمیل دیگری غیر از یوسف (ع) وجود ندارد؟ پاسخ می دهد نه، بلکه مراد من این است که مصداق کامل زیبایی در میان انسان ها یوسف (ع) بود. اصولا گاهی به جای حمل مشتق، مبدا اشتقاق را حمل می کنند، مثلا به جای اینکه بگوید زید عادل است می گوید زید عدل است تا مبالغه بیشتری را برسانند.  در اینجا نیز وقتی گفته شده مراد از نصرت توسط مومنین، یعنی امیرالمومنین (ع)، چند احتمال وجود دارد:  1. آیا مومنین به امیرالمومنین (ع) تفسیر و معنا شده است؟ خیر  2. آیا مصداق منحصر مومنین تنها امیرالمومنین (ع) دانسته شده و بقیه غیر مومن هستند؟ خیر  3. آیا مراد این است که کامل ترین مصداق مومن بعد از پیامبر اکرم (ص)، امیرالمومنین (ع) است؟ آری. این معنا هیچ مشکلی هم ندارد.  نکته دیگر اینکه در برخی روایات این آیه به انصار تفسیر شده است و این امر تعارضی ندارد (تعارض آن جا است که حصر حقیقی باشد). پس هم عموم مومنین مورد نظر است و هم انصار مورد نظر است و هم امیرالمومنین (ع). قرآن کریم درباره نصرت انصار می فرماید: «إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ هاجَرُوا وَ جاهَدُوا بِأَمْوالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ في‌ سَبيلِ اللَّهِ وَ الَّذينَ آوَوْا وَ نَصَرُوا أُولئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِياءُ بَعْض‌»[[12]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftn12" \o "انفال/سوره8، آیه72) . در این آیه از مهاجرین با عنوان مجاهدین، و از انصار با عنوان یاری دهندگان یاد شده است. اکنون آیا معنای آیه این است که تنها مهاجرین جهاد کردند و انصار و دیگران جهاد نکردند؟ و آیا تنها انصار یاری رساندند و مهاجرین این کار را نکردند؟ روشن است که پاسخ منفی است. معنای صحیح آیه این است که جمیع مومنین جهاد و نصرت کردند اما برخی در این میان شاخص بودند. جهاد مهاجرین و نصرت انصار است. این یک حصر اضافی است نه حصر حقیقی.  2. ابن تیمیه گفته است این روایت با واقعیت های تاریخی منافات دارد. در این باره می گوییم ما نیز نمی گوییم که همه کسانی که ایمان آوردند، ایمانشان به واسطه مستقیم امیرالمومنین (ع) بوده است بلکه مراد این است که در موقعیت هایی آن حضرت کارهایی انجام داده است که بی نظیر است و مانندی ندارد. مثلا در لیله المبیت چه کسی در جای پیامبر اکرم (ص) خوابید و جان ایشان را حفظ کرد؟ در جنگ های حساس و سرنوشت ساز مانند جنگ بدر، برجسته ترین نقش از آن امیرالمومنین (ع) بود. در جنگ احد شاخص ترین فرد در یاری پیامبر (ص) آن حضرت بود. در جنگ احزاب کشتن عمر بن عبدود که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «برز الایمان کله الی الشرک کله»، توسط امیرالمومنین (ع) بود. در قضیه جنگ خیبر و حدیث الرایه که بزرگان از صحابه به این فضیلت غبطه خورده اند، فتح خیبر توسط ایشان انجام شد. یا در قضیه تبوک هر چند امیرالمومنین (ع) در مدینه باقی ماند، اما پیامبر اکرم (ص) فرمود از میان من و تو یکی باید در مدینه بماند تا توطئه کودتای منافقین را خنثی کند و دیگری برود. این روایات نشان می دهد که امیرالمومنین (ع) در جریان های فراوان و حساس به یاری پیامبر (ص) پرداختند.  آنچه بیان شد در مورد نصرت ظاهری و جسمانی امیرالمومنین (ع) بود در قضایای معنوی نیز این امیرالمومنین (ع) بود که یاری رسان آن حضرت بود. مانند آیه مباهله که یاری رساندن در دعا کردن به جهت لطائف روح و خلوص و طهارت باطنی آن حضرت بود. بنابراین روایت مورد بحث نه با آیه شریفه و نه با واقعیت های تاریخی منافات دارد علاوه بر اینکه این واقعیت ها به عنوان موید صحت متن حدیث به شمار می آید.  ادامه بحث را انشاءالله در جلسه آینده دنبال کنید    ﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد  [[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref1) المراجعات، امام شرف الدین، ص342- 343.  [[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref2) کنزالعمال، متقی هندی، ج11، ص624 ؛ مجمع الزوائد، نورالدین هیثمی، ج9، ص121.  [[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref3) تهذیب التهذیب، ج6، ص121- 122 ؛ تقریب التهدیب، ص436.  [[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref4) شواهد التنزبل، حاکم حسکانی، ج1، ص223- 228.  [[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref5) الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص492- 493.  [[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref6) [انفال/سوره8، آیه62.](http://lib.eshia.ir/17001/1/185/62)  [[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref7) شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج1، ص224 ؛ الدر المنثور، ج4، ص91.  [[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref8) تفسیر البرهان، ج2، ص91- 92.  [[9]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref9) منهاج الکرامه، علامه حلی، ص161.  [[10]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref10) منهاج السنه، ابن تیمیه، ج7، ص108.  [[11]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref11) الحجج الدامغات، ج1ص493.  [[12]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991206/" \l "_ftnref12) [انفال/سوره8، آیه72.](http://lib.eshia.ir/17001/1/186/72) |

# درس امامت - کتاب المراجعات - استاد ربانی

99/12/12

بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 34 از مراجعه 48

در این روایت پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من أراد أن ينظر إلى نوح في عزمه، و إلى آدم في علمه، و إلى إبراهيم في حلمه، و إلى موسى في فطنته، و إلى عيسى في زهده، فلينظر إلى علي بن أبي طالب»[[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn1) : هر کس می خواهد به نوح (ع) بنگرد در عزم و اراده اش و به آدم (ع) بنگرد در علم و دانش اش و به ابراهیم (ع) بنگرد در حلمش و به موسی (ع) بنگرد در اقتدار و صلابتش و به عیسی (ع) بنگرد در زهد و عبادتش، به علی بن ابیطالب (ع) بنگرد. مرحوم شرف الدین در ادامه می فرماید این حدیث را بیهقی در صحیح خود و امام احمد بن حنبل در مسند خویش نقل کرده اند.

ایشان در پاورقی می گوید: ابن ابی الحدید این روایت را از بیهقی و احمد بن حنبل در خبر چهارم از اخباری که در ص 449، جلد دوم شرح نهج البلاغه آمده نقل کرد است.[[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn2) و امام رازی در تفسیر کبیر[[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn3) نقل کرده و از مسلمات موافق و مخالف نقل کرده است. و نیز احمد بن صدیق الغماری در کتاب فتح الملک العلی[[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn4) آورده است. از جمله کسانی که اعتراف به این مطلب کرده که امیرالمومنین (ع) جامع فضایل انبیاء الهی بوده است، ابن عربی است. عبدالوهاب شعرانی در مبحث 32 از کتاب الیواقیت، ص 172 از ابن عربی این مطلب را نقل کرده است.

اشکال

ابومریم اعظمی در مورد نقل این روایت از صحیح بیهقی و مسند احمد بن حنبل گفته است اولا: ابن ابی الحدید یک رافضی است و استناد به سخن وی در بحث با اهل سنت صحیح نیست. ثانیا: استناد به این دو نفر کذب است زیرا نه احمد در کتاب مسند و کتاب های دیگر خود آن را نقل نکرده و نه بیهقی آن را نقل کرده است.[[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn5)

پاسخ

1. اینکه ابومریم، ابن ابی الحدید را رافضی دانسته سخن شگفت آوری است. اگر وی را شیعی می نامید، مطابق برخی کاربردهای شیعه صحیح بود. یکی از کاربردهای شیعه این است که فرد معتقد باشد امیرالمومنین (ع) خلیفه بلافصل پیامبر (ص) و به نص ایشان است. در کاربرد دیگر کسی که معتقد به افضلیت امیرالمومنین (ع) باشد را شیعی می نامند (هر چند آن حضرت را خلیفه چهارم بداند). اما رافضی به کسی گفته می شود که مضافا بر اعتقاد به امامت بلافصل امیرالمومنین (ع)، از خلفا تبری جسته و یا مطاعن آنان را نقل می کند. به این معنا ابن ابی الحدید رافضی نیست.

2. شما که می گویید این حدیث کذب است و احمد بن حنبل و بیهقی آن را نقل نکرده است، دلیل کذب آن چیست؟ اینکه این حدیث در نسخه کنونی مسند احمد و یا آثار بیهقی نیامده است، چگونه می تواند دلیل این مطلب باشد که در گذشته هم نیامده است؟

3. این حدیث را دیگران نیز از بیهقی و احمد بن حنبل نقل کرده اند. مثلا شهاب الدین هندی در کتاب «الهدایه السعداء» از کتاب الصحائف، شمس الدین سمرقندی آن را نقل کرده است. همچنین خطیب خوارزمی در کتاب المناقب، ابن طلحه شافعی در کتاب مطالب السئول، ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه، میبدی در کتاب شرح دیوان امیرالمومنین (ع) آن را نقل کرده اند. بدخشانی و عجیلی شافعی نیز آن را نقل کرده اند.[[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn6)

4. از اینکه بیهقی ملتزم شده در تصانیف خود حدیثی که علم به صحت آن را ندارد نقل نکند، به دست می آید که اینکه گفته است در صحیح بیهقی این حدیث آمده منظور یک کتاب خاص به نام صحیح نیست، بلکه ذکر آن در آثار وی است. صاحب کتاب المشکات در باره برخی عالمان اهل حدیث از جمله بیهقی گفته است «اذا نصب الحدیث الیهم کانی اسندت الی النبی» یعنی در صحت آن اطمینان دارم. علی بن سلطان قاری، کتاب مشکات را شرح کرده و در توضیح این عبارت گفته است مراد همه احادیثی است که به این افراد نسبت داده است.[[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn7)

جلال الدین سیوطی در نقد ابن جوزی که حدیث را ضعیف دانسته، گفته است این روایت را بیهقی در کتاب الاسماء و صفات آورده و او نیز متلزم شده در نوشته های خود حدیثی که موضوع می داند نقل نکند.[[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn8)

از کسانی که این حدیث را احمد بن حنبل و بیهقی نقل کرده است شهرآشوب مازندرانی در کتاب مناقب آل ابیطالب [[9]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn9) است.

اشکال

ابومریم اعظمی در اشکال دیگری گفته است اینکه مرحوم شرف الدین استناد به امام رازی را از ارسال مسلمات دانسته است صحیح نیست، زیرا فخرالدین رازی در تفسیر آیه مباهله از یکی از علمای شیعه این حدیث را نقل می کند که او اینگونه می گفت.[[10]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftn10)

پاسخ

این مطلبی که وی درباره نقل از فخر رازی بیان کرده درست است، اما دلیل بر این نیست که رازی آن را مسلم نگرفته است، زیرا رازی بعد از نقل این کلام، نقدی بر این حدیث نگرفته و در رد سخن آن چنین گفته است اجماع بوده است که نبی بر غیر نبی افضل است و چون علی بن ابیطالب نبی نیست پس انبیاء بر ایشان افضل است. نه اینکه بگوید آن حدیث درست نیست. معمولا کسی که در مقام نقد است، ادله ای که اقامه می شود را نیز نقد می کند و اگر سکوت کند، معلوم می شود آن دلیل را درست دانسته اما معتقد است که آن دلیل در مقابل دلیل دیگر حجیت ندارد.

بنابراین از آن جا که رازی در جایی سکوت کرده که جای سکوت نیست، می توان گفت که وی آن را قبول کرده و ارسال مسلم دانسته است. و اینگونه اشکال اعظمی بر شرف الدین وارد نیست.

انشاءالله در جلسه آینده ادامه این مساله را پیگیری می کنیم.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

[[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref1) المراجعات، امام شرف الدین، ص343.

[[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref2) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج9، ص136.

[[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref3) تفسیر کبیر، امام رازی، ج8، ص81.

[[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref4) فتح الملک العلی، ابن صدیق الغماری، ص166.

[[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref5) الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص494.

[[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref6) نفحات الازهار، ج19، ص120.

[[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref7) المقرات فی شرح المشکات، علی بن سلطان، ج1، ص27.

[[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref8) اللئالی المصنوعه، سیوطی، ج1، ص12 ؛ نفحات الازهار، ج19، ص120.

[[9]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref9) مناقب آل ابی طاب، ج3، ص264.

[[10]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991212/#_ftnref10) الحجج الدامغات، ابومریم اعظمی، ج1، ص497- 498.

# درس امامت - کتاب المراجعات - استاد ربانی

99/12/13

بسم الله الرحمن الرحیم

موضوع: مراجعه 48 و چهل روایت بر امامت امیرالمومنین (ع)

حدیث 34 از مراجعه 48

در حدیث 34 از مراجعه 48 که به حدیث تشبیه معروف است، پیامبر اکرم (ص) فرمودند: هر کس می خواهد به نوح (ع) بنگرد در عزم و اراده اش و به آدم (ع) بنگرد در علم و دانش اش و به ابراهیم (ع) بنگرد در حلمش و به موسی (ع) بنگرد در اقتدار و صلابتش و به عیسی (ع) بنگرد در زهد و عبادتش، به علی بن ابیطالب (ع) بنگرد.

در جلسه گذشته کلام علامه شرف الدین درباره ناقلینی که ایشان این حدیث را از آنان نقل کرده بیان شد. ایشان به نقل از ابن ابی الحدید این حدیث را بیهقی و احمد بن حنبل نقل می کند. و نیز گفته اند که فخرالدین رازی در تفسیر کبیر و ابن صدیق الغماری در کتاب فتح الملک العلی این حدیث را نقل کرده و ابن عربی در فتوحات نیز گفته است امیرالمومنین (ع) جامع اسرار پیامبران الهی بوده است.

اشکالاتی که ابومریم اعظمی بر کلام علامه وارد کرده بود، در جلسه گذشته نقل و نقد شد. در ادامه بحث می گوییم به ذکر نمونه هایی از نقل های متعدد این حدیث می پردازیم. در روایت بیان شده در این مراجعه، حضرت امیرالمومنین (ع) به پنج نفر از انبیاء الهی تشبیه شده و وجه شبه نیز ذکر شده است. حضرت آدم (ع) در علم، حضرت نوح (ع) در اراده و عزم، حضرت ابراهیم (ع) در حلم، حضرت موسی (ع) در فطانت و حضرت عیسی (ع) در زهد. اما برای این روایت نقل های مختلفی بیان شده که تشبیه به تعداد دیگری از پیامبران نیز صورت گرفته و در وجه شباهت ها نیز تفاوت هایی وجود دارد. در ادامه به چند نمونه از متن های این روایت اشاره می شود:

چند نمونه از نقل های این حدیث

1. سید علی همدانی در کتاب الموده فی القربی از جابر بن عبدالله نقل می کند که می گوید: « قال رسول اللَّه صلّى اللَّه عليه و سلّم من أراد ان ينظر الى اسرافيل فى هيبته و الى ميكائيل فى رتبته و الى جبرئيل فى جلالته و الى آدم فى علمه و الى فى حسنه و الى ابراهيم فى خلّته و الى يعقوب فى حزنه و الى يوسف فى جماله و الى موسى فى مناجاته و الى ايوب فى صبره و الى يحيى فى زهده و الى عيسى فى سنته و الى يونس فى ورعه و الى محمّد فى جسمه و خلقه فلينظر الى على فان فيه تسعين خصلة من خصال الانبياء جمع اللَّه فيه و لم تجمع فى احد غيره‌».

قندوزی حنفی در کتاب ینابیع الموده، مطالب کتاب الموده فی القربی را آورده است.[[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn1) علامه میر حامد حسین نیز در کتاب نفحات الازهار، این روایت را در جلد نوزدهم آورده است. تمام این جلد اختصاص به حدیث تشبیه دارد.[[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn2)

نکته: از آنجا که راویان حدیث متعدد هستند، این احتمال وجود دارد که این حدیث در مواقع و مواطن مختلفی بیان شده است و این امر علت اختلاف در متن های آن است. علاوه بر اینکه ممکن است این حدیث در یک موقع بیان شده اما پیامبر (ص) آن را با تعابیر مختلفی بیان فرموده است و لذا اختلاف در متن حدیث، خللی در اعتبار آن ایجاد نمی کند.

2. از ابن عباس نقل شده که گفته است: « من أراد ان ينظر الى آدم فى علمه و الى نوح فى فهمه و الى موسى فى مناجاته و الى عيسى فى سمته و الى محمد فى تمامه و كماله و جماله فلينظر الى هذا الرجل المقبل قال فتطاول النّاس اعناقهم فاذا هم بعلى كانما ينقلب فى صبب و ينحلّ عن جبل تابعهما انس الّا انّه قال و الى ابراهيم فى خلّته و الى يحيى فى زهده و الى موسى فى بطشه فلينظر الى على بن أبى طالب و جلائل فضائل و عقائل فواضل و محاسن مفاخر و زواهر مآثر»[[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn3) : کسی که می خواهد به آدم (ع) در علمش و نوح (ع) در فهمش و موسی (ع) در مناجاتش و عیسی (ع) در مقامش و محمد (ص) در تمام و کمال و جمالش نگاه کند، به این مردی که می آید نگاه کند. ابن عباس می گوید: مردم گردن هایشان را کشیدند تا ببیند آن شخصی که می آید کیست، دیدن آن شخص علی بن ابیطالب(ع) است.

3. از انس بن مالک نقل شده که گفته است: «كنّا فى بعض حجرات مكّة نتذاكر عليّا فدخل علينا رسول اللَّه صلّى اللَّه عليه و سلّم فقال ايّها النّاس من أراد ان ينظر الى آدم فى علمه و الى نوح فى فهمه و الى ابراهيم فى حلمه و الى موسى فى شدّته و الى عيسى فى زهادته و الى محمّد و بهائه و الى جبرئيل و امانته و الى الكوكب الدّرّى و الشمس الضحيّ و القمر المضى فليتطاول و لينظر الى هذا الرّجل و اشار الى علىّ بن أبى طالب انتهى‌».[[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn4)

4. ابوسعید خدری می گوید: « كنّا حول النبىّ صلّى اللَّه عليه و سلّم فاقبل على بن أبى طالب فأدام رسول اللَّه صلّى اللَّه عليه و سلم النظر إليه ثم قال من أراد ان ينظر الى آدم فى علمه و الى نوح فى حكمه و الى ابراهيم فى حلمه فلينظر الى هذا».[[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn5)

5. ابی الحمراء (خادم پیامبر اکرم (ص)) می گوید: « من أراد أن ينظر إلى آدم في علمه و إلى نوح في فهمه و إلى يحيى بن زكريّا في زهده و إلى موسى بن عمران في بطشه فلينظر إلى علي بن أبي طالب عليه السّلام».[[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn6)

6. ابوهریره می گوید: «قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و سلم و هو في محفل من أصحابه: ان تنظروا الى آدم في علمه، و نوح في همته، و ابراهيم في خلقه، و موسى في مناجاته، و عيسى في سننه، و محمد في هديه و علمه فانظروا الى هذا المقبل، فتطاول الناس بأعناقهم فإذا هو علي بن أبي طالب».[[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn7)

حدیث تشبیه در منابع شیعه

در منابع شیعه نیز این روایت آمده است از جمله علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار[[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftn8) ، بابی را به این مساله اختصاص داده است. چند نمونه از این روایات چنین است:

1. در امالی شیخ طوسی چنین آمده است: «الْمُفِيدُ عَنِ الْجُبَّائِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مِسْعَرِ بْنِ يَحْيَى عَنْ شَرِيكٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَالِساً فِي جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِهِ إِذْ أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي حِكْمَتِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ».

2. در امالی صدوق آمده است: «ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ ابْنِ مَتِّيلٍ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: نَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى عَلِيٍّ ع قَدْ أَقْبَلَ وَ حَوْلَهُ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَقَالَ مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى يُوسُفَ فِي جَمَالِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي سَخَائِهِ وَ إِلَى سُلَيْمَانَ فِي بَهْجَتِهِ وَ إِلَى دَاوُدَ فِي حِكْمَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا».

3. شیخ صدوق در کمال الدین این روایت را نقل کرده است: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كُنَّا جُلُوساً عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي‌ سِلْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي حِلْمِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي فِطْنَتِهِ وَ إِلَى دَاوُدَ فِي زُهْدِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا فَنَظَرْنَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَدْ أَقْبَلَ كَالْمَاءِ يَنْحَدِرُ مِنْ صَبَب‌».

4. سلمه بن قیس نقل می کند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلِيٌّ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ كَالشَّمْسِ بِالنَّهَارِ فِي الْأَرْضِ وَ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا كَالْقَمَرِ بِاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ أَعْطَى اللَّهُ عَلِيّاً مِنَ الْفَضْلِ جُزْءاً لَوْ قُسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْفَهْمِ لَوْ قُسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَسِعَهُمْ شَبَّهْتُ لِينَهُ بِلِينِ لُوطٍ وَ خُلُقَهُ بِخُلُقِ يَحْيَى وَ زُهْدَهُ بِزُهْدِ أَيُّوبَ وَ سَخَاءَهُ بِسَخَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَهْجَتَهُ بِبَهْجَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ قُوَّتَهُ بِقُوَّةِ دَاوُدَ وَ لَهُ اسْمٌ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشَّرَنِي بِهِ رَبِّي وَ كَانَتْ لَهُ الْبِشَارَةُ عِنْدِي عَلِيٌّ مَحْمُودٌ عِنْدَ الْحَقِّ مُزَكَّى عِنْدَ الْمَلَائِكَةِ وَ خَاصَّتِي وَ خَالِصَتِي وَ ظَاهِرَتِي وَ مِصْبَاحِي وَ جُنَّتِي وَ رَفِيقِي آنَسَنِي بِهِ رَبِّي فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَقْبِضَهُ قَبْلِي وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَقْبِضَهُ شَهِيداً أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ حُورَ عَلِيٍّ أَكْثَرَ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ قُصُورَ عَلِيٍّ كَعَدَدِ الْبَشَرِ عَلِيٌّ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ عَلِيٍّ مَنْ تَوَلَّى عَلِيّاً فَقَدْ تَوَلَّانِي حُبُّ عَلِيٍّ نِعْمَةٌ وَ اتِّبَاعُهُ فَضِيلَةٌ دَانَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ حَفَّتْ بِهِ الْجِنُّ الصَّالِحُونَ لَمْ يَمْشِ عَلَى الْأَرْضِ مَاشٍ بَعْدِي إِلَّا كَانَ هُوَ أَكْرَمَ مِنْهُ عِزّاً وَ فَخْراً وَ مِنْهَاجاً لَمْ يَكُ فَظّاً عَجُولًا وَ لَا مُسْتَرْسِلًا لِفَسَادٍ وَ لَا مُتَعَنِّداً حَمَلَتْهُ الْأَرْضُ فَأَكْرَمَتْهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ بِطْنِ أُنْثَى بَعْدِي أَحَدٌ كَانَ أَكْرَمَ خُرُوجاً مِنْهُ وَ لَمْ يَنْزِلْ مَنْزِلًا إِلَّا كَانَ مَيْمُوناً أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِكْمَةَ وَ رَدَّاهُ بِالْفَهْمِ تُجَالِسُه‌».

5. ابوذر غفاری نقل می کند: «بَيْنَمَا ذَاتَ يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ص إِذْ قَامَ وَ رَكَعَ وَ سَجَدَ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا جُنْدَبُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خَلَّتِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي مُنَاجَاتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي سِيَاحَتِهِ وَ إِلَى أَيُّوبَ فِي صَبْرِهِ وَ بَلَائِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الرَّجُلِ الْمُقَابِلِ الَّذِي هُوَ كَالشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ السَّارِي وَ الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ أَشْجَعُ النَّاسِ قَلْباً وَ أَسْخَى النَّاسِ كَفّاً فَعَلَى مُبْغِضِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ قَالَ فَالْتَفَتَ النَّاسُ يَنْظُرُونَ مِنْ هَذَا الْمُقْبِلِ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ».

انشاءالله در جلسه آینده به بررسی بیشتر این روایت می پردازیم

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

[[1]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref1) ینابیع الموده، قندوزی حنفی، ج2، ص300.

[[2]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref2) نفحات الازهار، میر حامد حسین هندی، ج19.

[[3]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref3) نفحات الازهار، میر حامد حسین، ج19، ص56 به نقل از کتاب مناقب آل ابی طالب؛ و ج19، ص90 به نقل از کتاب کفایه الطالب، از گنجی شافعی . در کتاب هدایه السعداء، از عالمان اهل سنت نیز آمده است.

[[4]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref4) نفحات الازهار، میر حامد حسین، ج19، ص77 به نقل از کتاب زین الفتی بتفسیر سوره هل اتی.

[[5]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref5) نفحات الازهار، میر حامد حسین، ج19، ص82 به نقل از کتاب السنه.

[[6]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref6) مناقب خوارزمی، ص40 به نقل از حاکم نیشابوری از کتاب تاریخ وی.

[[7]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref7) نفحات الازهار، میر حامد حسین، ج19، ص28 به نقل از کتاب معجم الادبا، یاقوت حموینی، ج17، ص200- 203.

[[8]](https://www.eshia.ir/feqh/archive/text/rabani/morajeat/99/991213/#_ftnref8) بحارالانوار، علامه مجلسی، ج39، ص35.